

عنوان: جایگاه هجرت در تبلیغ/مدرس: محمد کاظم
نشریه: هفتاد و دومین شماره/شماره: ۱۳۸/۱۳۸
معلم انقلاب حضرت آية الله خامنه‌ای مدظله‌العالی را داریم که به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۷۳-۷۴ و با استناد به روایت راوندی از رسول الله (ص) خطاب به حوزه‌ها فرمودند: «هجرت یعنی اینکه نباید به یک مکان چسبید. شاید امروز مصداق این هجرت برای طلاب علوم دینی و فضیلتی محترم که در حوزه‌ها متمکن و مستقرند این باشد که به اکناف بلاد اسلامی برای تبلیغ، هجرت کنند... شاید امروز یکی از مصادیق هجرت این باشد، الان در کشور ما شهرهایی هست - فضلاً

جایگاه هجرت در تبلیغ

○ سید محمد کاظم مدرسی

و بر این اساس تاهجرت باطن صورت نپذیرد، هجرت ظاهر ثمر نبخشد.
در حدیثی از امیر مومنان (ع) آمده است:
«يقول الرجل: هاجرت ولم يهاجر انما المهاجرون الذين يهجرون السينات ولم يأتوا بها»
(مردی گوید من از زمین شرک به سرزمین اسلام مهاجرت کرده‌ام، نه، چنین فردی مهاجرت نکرده‌است بلکه مهاجران کسانی هستند که ترک گناهان کنند و به سوی آنها نروند.)

□ هجرت، ابزار حفظ و تبلیغ دین

در طول تاریخ، جمعی خانه و کاشانه خود را برای حفظ دین و مرام خود ترک گفته‌اند. اینان زادگاه خود را برای در امان نگاه داشتن ایمان ترک کرده و از رفاه دیار سکونت رخت بر بسته‌اند. بارزترین نمونه این مهاجران، اصحاب کعب هستند که با جلاي وطن و پناهنده شدن به غاری، ایمان خود را از شر مستکبران زمان در امان قرار دادند.

قرآن با ذکر سنت حسنه این پاکدلان، داستان‌شان را این گونه بیان فرموده است:
«آنگاه که این جوانمردان به غاری پناه بردند و در آنجا پنهان شدند، گفتند: پروردگارا رحمت خود را بر ما نازل کن و وسیله رشد و هدایت ما را فراهم ساز.»^۱

خداوند دعای آنان را مستجاب کرده و در این مورد می‌فرماید: «آنان به خدای خود ایمان آوردند و ما نیز بر هدایت آنان افزودیم.»^۲

سپس قرآن، پرده از راز هجرت این پاکبختگان برداشته و در جواب این سنوال که چرا این جوانمردان سر به بیابانها نهاده و سرانجام به غاری پناهنده شدند می‌فرماید:

«آنان به یکدیگر می‌گفتند شما که از این مشرکان و خدایان باطل آنها دوری جستید باید به غار کوه پناهنده شوید اگر چنین کردید خداوند رحمت خود را بر شما می‌گستراند و اسباب کار شما را باروری حلال مهیا می‌سازد.»^۳

از دیدگاه اسلام پذیرش ستم و اختناق بسیار مذمت گردیده و بر این اساس مهاجرت آن گروه از مردان و زنان و کودکان که می‌توانند خود را از تحت ستم و سلطه حکومت‌های ظالم رهاکننده و به سرزمین آزادی و ایمان هجرت کنند یک وظیفه شرعی و الهی است.

«آنگاه که فرشتگان جان کسانی را می‌گیرند که بر نفس خود ستم کرده‌اند، از آنان می‌پرسند در دنیا چه می‌کردید؟ آنان می‌گویند، تحت سلطه حکام (جور) بودیم. فرشتگان می‌گویند: آیا زمین خدا پهناور و گسترده نبود که به جای دیگر سفر کنید؟^۴
اما گروهی ترک خانه و کاشانه را با هدف تبلیغ و رسانیدن پیام حق انجام داده و در حقیقت، هجرت را ابزار ابلاغ و گسترش عقیده و مرام خود دانسته‌اند.

در اسلام، پیامبر اکرم (ص) نخستین کسی بود که برای تبلیغ اسلام راهی دیارهای می‌شد و مهاجرت را وسیله تبلیغ می‌دانست.
امیر مومنان (ع) در وصف رسول الله (ص) فرمود:

«طبيب دوار بطبه قدا حکم مراهمه واحمی مواسمه یضع ذلک حیث الحاجة الیه من قلوب عمی و آذان صم والسنة بکم»^۵
(او طبیبی بود که همراه طب خود دور می‌زد و مرهم را پرداخته و وسیله داغ کردن را آماده ساخته تا هر یک را در جایی که بدان نیاز است به کارگیرد، از قلبهای کور و گوشهای کر و زبانهای لال) و پیامبر (ص) برای ابلاغ پیام و فرمان الهی از اصل هجرت

بهره می‌گرفت. و به دیار دور سفر می‌کرد و در این راه رنجها بر خود هموار می‌کرد که نمونه آن، سفر به طایف - پس از درگذشت حضرت ابوطالب - بود که ماجرای مشقت باری را همراه داشت.^۶
پیامبر (ص) نه تنها خود برای تبلیغ دین اسلام از اصل هجرت بهره می‌گرفت بلکه مهاجرت را برای مبلغین اسلامی ضروری می‌دانست و از این رو هیئتهای تبلیغی فراوانی را به شهرهای دور و نزدیک اعزام می‌فرمود.

این مبلغان که یا به صورت فردی و یا به صورت گروهی اعزام می‌شدند، گاهی به سرزمینهایی که اسلام در آنجا راه یافته و معرفی شده بود اعزام می‌شدند تا مسائل اسلامی و قرآنی را به مردم مسلمان و یا متمایل به اسلام بیاموزند و گاهی به سرزمینهای غیراسلامی اعزام می‌شدند تا ناآشنایان به دین را با مکتب اسلام آشنا کنند.

در اینجا باید به شیوه‌ها و تاکتیکهای تبلیغی رسول الله توجه شود چرا که اولاً، پیامبر (ص) سعی داشت در صورت امکان هر قوم و قبیله‌ای را در محل سکونت و زیستگاه خودش، دعوت به دین اسلام کند و بر این اساس خود نیز شخصاً به محل سکونت اقوام و قبیله‌های مختلف عرب زبان جزیره العرب هجرت می‌فرمود و تبلیغ دین اسلام می‌کرد.

در این راستا می‌توان به مسافرت رسول الله (ص) به محل سکونت بنی حنیفه، کلب و بنی شیبان برای دعوت به دین اسلام اشاره کرد.

و ثانیاً با فراهم شدن زمینه تبلیغی اصحاب، هر صحابی را که توان تبلیغ داشت به سوی قوم و قبیله خودش روانه می‌کرد تا آنان را بازبان خودشان به اسلام آشنا سازد.

براساس آیه مبارکه «فلولا تقرر من کل فرقه طایفه لیتفقوا فی الدین ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیه»^۷ هر مسلمانی موظف بود تا در صورت امکان قوم و قبیله خودش را به دین اسلام آشنا کند. در این راستا می‌توان به اعزام «ابوامامه باهلی» به سوی قوم و قبیله خودش، توسط رسول الله (ص) اشاره کرد.^۸

تاریخ نگاران نوشته‌اند: اعزام مبلغین و هیئتهای تبلیغی از سوی پیامبر (ص) به صورتی گسترده پس از قرارداد صلح حدیبیه - که بر اثر آن مسلمانان در دعوت به دین اسلام آزادی یافتند، صورت پذیرفت.

دقت و بررسی تاریخ صدر اسلام این نکته را به خوبی روشن می‌سازد که این مهاجرت‌ها و سفرهای تبلیغی بود که توانست اسلام را در کمترین زمان ممکن ترویج داده و بر اوج قدرت و عزت بنشانند. گرچه این هجرت‌ها همراه با تحمل رنجها و ناکواریها بود.

امام علی بن ابی طالب (ع)، عمار یاسر معاذین جبل و خالد بن سعید از جمله مهاجرانی بودند که با داشتن حکم مأموریت تبلیغی از سوی پیامبر (ص) به مناطق دور و نزدیک حتی خارج از شبه جزیره عربستان هجرت کرده و این وظیفه شرعی را به انجام رسانیدند.

این گونه اعزامها و هجرت‌ها پس از پیامبر (ص) در عصر خلفاء نیز ادامه داشت.^۹

به هر حال این سنتی است که به خاطر آن عیسی بن مریم (ع) ملقب به «مسیح» گردید (۱۱) و اسلام از آن بهره گرفت و تشیع راستین رشد یافت.

اینکه که بار مسئولیت زمانه بر دوش مبارک حوزه‌های علمیه قرار گرفته است بجاست که از این سنت حسنه که از وصیتهای پیامبر گرامی اسلام (ص) به امت مسلمان نیز می‌باشد^{۱۰} بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و مهاجران حوزوی با سلاح هجرت درونی (علم و ایمان و عمل صالح) تشنگان معارف را با دریای زلال و موج ماهیم اسلامی آشنا سازند.

پی نوشتها:

- ۱ - سفینه البحار - ۶۹۷/۲
- ۲ - کعب - ۱۰
- ۳ - کعب - ۱۳
- ۴ - کعب - ۱۶
- ۵ - نساء - ۹۷
- ۶ - نهج البلاغه - خطبه ۱۰۸
- ۷ - حیات الصحابه - ۸۵/۱ و ۸۶
- ۸ - توبه - ۱۲۲
- ۹ - حیات الصحابه - ۹۰/۱ و ۹۱
- ۱۰ - حیات الصحابه - ۱۶۶/۱
- ۱۱ - ر.ک: مجمع البحرين، ماده «سیح»
- ۱۲ - «اوصی امتی بخمس: بالسمع والطاعة والهجرة والجهاد والجماعة...» بحارالانوار: ۴۰۳/۶۹

هست که در این میان آمده است: «باید به عنوان نمونه اشاره می کنیم که: «ادع الی سبیل ربک بال حکمته و الموعظه الحسنه و جادلهم بالی هی احسن» یعنی با حکم و برهان و موعظه نیکو، به راه خدا دعوت کن.

در المیزان در این خصوص آمده است که: «شکی نیست در این که در آیه از سه قبل، یعنی حکمت و موعظه و مجادله استفاده می شود، همه مربوط به طرز سخن گفتن است، و سون گرامی مأمور شده که به یکی از سه طریق دعوت کند، هر یک برای دعوت طریق مخصوص است، هر چند جدال به معنای انحصار دعوت به شمار می رود.

و اما معنی این سه طریق، حکمت بطوری که در مفردات آمده است معنای اصابه حق و رسیدن به آن به وسیله علم و عقل است، و اما موعظه به این معنی تفسیر شده است که کارهای نیک را بطوری یاد آور می شود که قلب شنونده از شنیدن آن بیان معرفت پیدا کند، و در نتیجه تسلیم شود، و اما جدال بطوری است که سخن گفتن از طریق نزاع و غلبه جوئی است. XXX و اما استاد در خصوص پیام و شرایط موفقیت آن غنا و حقانیت محتوای پیام را مورد نظر قرار می دهد و می فرماید: شرایط موفقیت یک پیام چهار چیز است که اگر این چهار شرط در یک جا جمع بشود موفقیت آن پیام قطعی است و اگر این چهار شرط جمع نشوند شکل های مختلفی پیدا می شود.

اولین شرط موفقیت پیام، عقلی بودن، قدرت و نیرومندی محتوای آن است یعنی اینکه خود آن پیام برای بشر چه آورده است، چگونه بر آورنده نیازهای بشر باشد، بشر صدها نیاز دارد، نیازهای فکری، احساسی، عملی، اجتماعی و مادی، یک پیام نه تنها باید بر ضد نیازهای بشر باشد، بلکه باید فواید و منطبق بر آنها باشد، یک پیام در درجه اول باید منطقی باشد، یعنی با عقل و فکر بشر سازگار باشد، و به گونه ای باشد که جاذبه عقل انسان آن را به سوی خودش بکشد، یک پیام اگر ضد منطق و عقل باشد ولو اینکه مثلاً احساسی باشد، برای مدت کمی ممکن است دوام پیدا کند و برای همیشه قابل دوام نیست این است که قرآن کریم دائماً از تعقل و تفکر می زند، قرآن هرگز عقل و منطق را ترک نکرده است، بلکه از عقل و منطق به عنوان یک پایه برای خود استفاده کرده و دعوت به تعقل نموده است.

همچنین برای اینکه یک پیام

محتوای غنی و نیرومند داشته باشد، باید با احساسات بشر انطباق داشته باشد. انسان کانونی دارد، غیر از کانون عقلی و فکری بنام کانون احساسات که آن را نمی توان نادیده گرفت. توافق و هماهنگی با احساسات تا حدی اثبات هماهنگی با نیازهای زندگی و نیازهای عملی و عینی بشر، از دیگر شرایط غنی بودن محتوای یک پیام است. اگر پیامی با نیازهای طبیعی بشر ضدیت داشته باشد نمی تواند موفق باشد.

عامل دیگری که در موفقیت پیام تاثیر دارد، شخصیت پیام رسان می باشد (شخصیتی که پیام را انتقال می دهد) خصوصیات و شخصیت و لیاقت پیام رسان و شرایطی که باید در پیام رسان وجود داشته باشد.

عامل دیگر وسایل و ابزارهایی است که برای رساندن پیام به کار برده می شوند.

یک پیام رسان بدون شک احتیاج به یک سلسله وسایل و ابزارهایی دارد که به وسیله آنها پیامی را که مأمور ابلاغ آن است به مردم می رساند و در نهایت متد و سبک، اسلوب و روش پیام رسان در ارائه پیام است.

توجه به این امر که حضرت امام حسین (ع) در محبت استنصار برای شهادت به شکل جامع عمل نموده و نسبت به احیاء شهادت موفق بوده است و رنگ و بوی جدی به مبارزات آزادیخواهانه داده به گونه ای که هر روز وضوح، شفافیت و حقانیت آن بیشتر می شود و در فرآیند زمانی تحکیم می یابد و قطع نظر از این مسایل آنچه الهام بخش روزگار ما گردیده است، شیوه و متدی است که امام و یاران صدیق ایشان برای غلبه بر دشمن از چهره اسلام ناب انجام دادند و نحوه حرکت امام، موضع گیری ها و خطابه هایی که امام در طول مسیر بیان فرموده اند به شکلی است که حقانیت اهل بیت را به اثبات می رساند.

نظر استاد در این زمینه این است که: «اولین مطلب این است که استفاده از تبلیغ در نهضت حسینی آن وقت درست است که عامل نهضت را تنها امتناع از بیعت ندانیم، استفاده از تبلیغ با دو عامل دیگر یعنی اجابت مردم کوفه برای در دست گرفتن زمام امور، و دیگر امر به معروف و نهی از منکر جور می آید، و البته از زمان سقوط کوفه به بعد هر اندازه از عنصر تبلیغ استفاده شده باشد اختصاصی دارد به امر به

معروف و نهی از منکر. خروج امام از مدینه به مکه و اقامت در مکه در ماههای شعبان تا ذی الحجه که ایام عمره و سپس حج است، به نظر نمی رسد که به خاطر این بوده که دشمن احترام حرم امن الهی را حفظ می کرد، بلکه به سه علت دیگر بوده است: یکی اینکه نفس مهاجرت ارزش تبلیغاتی داشت و نگذاشتن بود و ندای امام را بهتر می رساند و این خود اولین روست مخالفت و امتناع بود. دوم اینکه در مکه لباس بیشتری با افراد نواحی مختلف مسکن بود. سوم اینکه مکه را انتخاب کردن علامت امنیت ندانستن بود گر آنکه در آنجا هم امام امنیت نداشت.

خروج امام از مکه در روز نهم یعنی روز هشتم ذی الحجه که روز حرکت به مکه و عرفات است ارزش تبلیغی نگذاشته تری از خود اقامت در مکه داشت، و از نظر رساندن پیام اسلام باین پشت کردن به کعبه تسخیر شده امویان و حجاجی که گرداننده اش دستگاه یزیدی بود - حجاجی که ظاهرش اسلامی و روحش جاهلی بود نشان داد که اسلام این صورت خالی نیست که خاطرها آسوده باشد، معنی و حقیقت است که به خطر افتاده است.

سومین روست تبلیغاتی و بلکه تاکتیکی تبلیغاتی آن حضرت این بود که اهل بیت و کودکان خود را نیز همراه خود آورد، و به این وسیله در واقع خود دشمن را ناآگاهانه استخدام کرد که حمل یک عده مبلغ برای امام حسین و برای اسلام حسینی علیه یزید و اسلام یزیدی باشد و این یکی از مهمترین عناصر تبلیغی نهضت امام است.

چهارمین تاکتیکی تبلیغی اباعبدالله نشان دادن مروت و انسانیت و گسترش اخلاقیات در همه خلل حادثه بود. از بین راه تا دهم محرم - از قبل آب دادن به دشمن و ابتداء جنگ نکردن.

پنجمین تاکتیکی، ایجاد صحت هایی برای رساندن بهتر پیام خود و رنگ آمیزی ها از قبل باشید خون شیرخوار به آسمان که عبدالله احسبه و سروری خود را با خون خود مخضب کردن که اینچنین می خواهم خدا را ملاقات کنم، در مورد صحنه ها قصه دست نه کردن کردن با قاسم، حبیب بن مظاهر.

آنچه امروز به ما الهام می بخشد، قلمهای گسائی که اسلام را روی کاغذها توجیف کرده اند نیست، بلکه قلمهای گسائی است که با

خون خود سقوط برجسته اسلام را بر روی بدنهای خودشان، بر پیشانی شان، بر فرق شکافته شان (و قتل فی محرابه لشده عده) بر روی دانه دانه نرهای مقدس محاسنشان، بر روی سینه و قلبشان، بر پیشانی شکسته شان، بر دندان شکسته، بر رگهای گردنشان نوشته اند.

در جای جای آثار استاد شهید می توان این نکته را یافت که وجود چهره های مختلف بزرگوار که در صحنه کربلا حضور جدی داشته اند و اینکه پیران در کنار جوانان، زنان در کنار مردان و کودکان در جوار مادران و پدران، حضور برده برده آزاد شده شهادت را می پذیرند، پذیرش که با آن با تمام نسل های تاریخ این پیام را دارند که برای حفظ اسلام هم چیز و همه کس را باید کنار کرد و از همه گونه امکانات استفاده نمود و اینکه باید بهترین راهکار را یافته و از گزاردهایی استفاده کرد که جهت دمی آن در پلن کلی نظام آفرینش موثر باشد.

عباس چگینی

می نوشت:

- (۱) سوره مؤمن آیه ۳۶
- (۲) سوره قلم آیه ۳۹
- (۳) سوره ابراهیم آیه ۵۲
- (۴) سوره مائده آیه ۶۷
- (۵) سوره احزاب آیه ۳۹
- (۶) کتاب حماسه حسینی اثر استاد شهید مطهری